

ماده ۱۴۱ قانون تجارت*

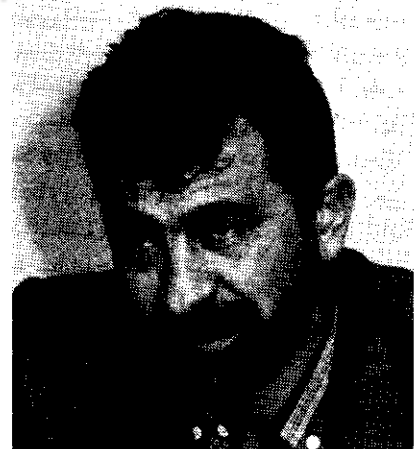
تفسیر پذیر و پرابهام

ماده ۱۴۱ قانون تجارت و چگونگی اجرای آن همیشه مورد توجه حسابداران، حسابرسان، حقوقدانان و سهامداران بوده است. در حالی که به رغم دشواریها، ابهامها و تفسیر پذیر بودن آن، کمتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. تنها در سالهای نزدیک آقای پرویز افتخار جواهری مقاله معتبری در این باره نگاشته اند که در نشریه حسابدار شماره ۱۸، فروردین ۱۳۶۵ به چاپ رسید و همواره می تواند پاسخگوی بسیاری پرسشها در زمینه مورد بحث باشد.

در مقاله آقای جواهری موضوعهایی مانند «زیان وارد»، «ضابطه های تشخیص زیان وارد» و «نحوه عملی اجرای ماده ۱۴۱» به اندازه کافی بررسی شده است.

مقاله حاضر از دیدگاه دیگری به موضوع نگاه می کند و بسیاری از مسائل را در این باره آشکار می سازد. مطالعه هر دو مقاله را به خوانندگان نشریه پیشنهاد می کنیم.

نویسنده: سید محمد آسوده



* منظور ماده ۱۴۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ است. افزون بر این، در این نوشته هر جا که به ماده قانونی بدون ذکر نام قانون اشاره می شود، منظور مواد لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ است.

مطابق مقررات قانونی منعقد شود هر ذینفع می تواند انحلال شرکت را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند.

فصاوت در این مورد که شرکتی مشمول ماده ۱۴۱ می باشد یا خیر مستلزم این است که بدانیم چه بخشی از سرمایه شرکت در اثر زیانهای وارد از بین رفته و چه بخشی از آن موجود است.

سرمایه موجود + سرمایه از بین رفته = سرمایه شرکت
نظریه کاربرد مکرر مفهوم سرمایه در قانون تجارت به نظر نمی رسد ابهام و اختلاف نظری در مورد مراد از سرمایه در ماده ۱۴۱ وجود داشته باشد (به منظور حفظ جانب احتیاط، لااقل برای نگارنده). اما چگونگی تعیین و احراز یکی از دو عامل «سرمایه موجود» و یا «سرمایه از بین رفته» از مواردی است که در عمل با نظرات و برداشتهای متفاوتی همراه است که می تواند موجب تفاوتی

بموجب ماده ۱۴۱ لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، اگر در شرکتهای سهامی برائت زیانهای وارد، حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برود هیئت مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را به منظور شور و رأی در مورد انحلال با بقای شرکت دعوت کند. هرگاه مجمع مزبور رأی به انحلال ندهد باید در همان جلسه سرمایه شرکت را به مبلغ سرمایه موجود کاهش دهد. در صورتی که هیئت مدیره برخلاف دستور ماده پیشگفته مجمع عمومی فوق العاده را دعوت نکند و یا مجمعی که دعوت می شود نتواند





باسخگویی به این سؤال که چه مرجعی سرمایه موجود شرکت را نه تنها در مورد شرکتهای مشمول ماده ۱۴۱ بلکه در مورد کلیه شرکتهای سهامی تعیین می کند نیاز به تفحص چندانی در قانون تجارت ندارد و بسادگی می توان گفت این امر از صلاحیتهای مجمع عمومی عادی است چرا که به موجب مواد ۲۸۹، ۲۹۰، ۳۳۸ و ۳۴۰، رسیدگی و تصویب ترازنامه، حساب سود و زیان، صورت دارایی و مطالبات و دیون و... سایر امور مربوط به حسابهای شرکت و نیز احراز اینکه سود قابل تقسیم وجود دارد، از صلاحیتهای مجمع عمومی عادی است. بویژه اینکه احراز سود قابل تقسیم و تعیین مبلغ آن به منظور تقسیم بین سهامداران، به موجب ماده ورق بزیند

۲- ماده ۸۹- مجمع عمومی عادی باید سالی یک بار در موقعی که در اساسنامه پیشبینی شده است برای رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و صورت دارایی و مطالبات و دیون شرکت و صورتحساب دوره عملکرد سالیانه شرکت و رسیدگی به گزارش مدیران و بازرسی یا بازرسان و سایر امور مربوط به حسابهای سال مالی تشکیل شود. تبصره- بدون قرائت گزارش بازرسی یا بازرسان شرکت در مجمع عمومی اخذ تصمیم نسبت به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی معتبر نخواهد بود.

۳- ماده ۹۰- تقسیم سود و اندوخته بین صاحبان سهام فقط پس از تصویب مجمع عمومی جایز خواهد بود و در صورت وجود منافع تقسیم ده درصد از سود و یژه سالانه بین صاحبان سهام الزامی است.

۴- ماده ۱۳۸- هیئت مدیره موظف است بعد از انقضای سال مالی شرکت ظرف مهلتی که در اساسنامه پیشبینی شده است مجمع عمومی سالیانه را برای تصویب عملیات سال مالی قبل و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت دعوت نماید.

۵- ماده ۲۴۰- مجمع عمومی پس از تصویب حسابهای سال مالی و احراز اینکه سود قابل تقسیم وجود دارد مبلغی از آنرا که باید بین صاحبان سهام تقسیم شود تعیین خواهد نمود. علاوه بر این مجمع عمومی می تواند تصمیم بگیرد که مبالغی از اندوخته هایی که شرکت در اختیار دارد بین صاحبان سهام تقسیم شود در این صورت در تصمیم مجمع عمومی باید صریحاً قید شود که مبالغ مورد نظر از کدام یک از اندوخته ها باید برداشت و تقسیم گردد. هر سودی که بدون رعایت مقررات این قانون تقسیم شود منافع موهوم تلقی خواهد شد. نحوه پرداخت سود قابل تقسیم توسط مجمع عمومی تعیین می شود و اگر مجمع عمومی درخصوص نحوه پرداخت تصمیمی نگرفته باشد هیئت مدیره نحوه پرداخت را تعیین خواهد نمود ولی در هر حال پرداخت سود به صاحبان سهام باید ظرف هشت ماه پس از تصمیم مجمع عمومی رایج به تقسیم سود انجام پذیرد.

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
بوده اند. در صورتی که به موجب ماده ۱۸۳ صلاحیت مجمع فوق العاده تنها تغییر در مواد اساسنامه یا سرمایه، و نیز انحلال پیشرس شرکت است که دستور جلسه مقرر در ماده ۱۴۱ نیز در مورد اخیر آن است. بنابراین سرمایه موجود در مجمع عمومی فوق العاده تعیین نمی شود و فرض بر این است که میزان آن قبلاً تعیین شده است و چون این میزان کمتر از ۵۰ درصد سرمایه شرکت بوده، هیئت مدیره مکلف به دعوت مجمع عمومی شده است. بنابراین باید دید تعیین زیانهای وارد و میزان تأثیر آن بر سرمایه شرکت چگونه و به وسیله چه مرجعی باید صورت گیرد.

۱- ماده ۸۳- هرگونه تغییر در مواد اساسنامه یا در سرمایه شرکت یا انحلال شرکت قبل از موعد منحصراً در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می باشد.

شویه تکمیل معادله فوق و اجرای ماده مورد بحث شد. در این نوشتار سعی خواهد شد برخی نظرات و سئوالات موجود در این زمینه مطرح شود و با یاری سخن از مقررات قانون تجارت و اصول و موازین سبببنداری در حد توان مورد بحث و بررسی قرار گیرد. با این امید که کاستیهای آن در پی ارائه مراتب تصحیحی و تکمیلی دست اندرکاران و رفقه مندان مرتفع شود.

نظر به اینکه در ماده ۱۴۱ به تکلیف هیئت مدیره تشکیل مجمع عمومی فوق العاده اشاره شده سکن است نخست چنین تصور شود که سرمایه موجود در چنین مجمعی مشخص می شود. و چه بسا کاران در جلسات مجمع عمومی فوق العاده ای که اجرای ماده مذکور تشکیل شده ناظر مباحثات و تلاف نظرهایی پیرامون میزان سرمایه موجود و طبعاً مول یا عدم مشمول ماده مذکور نسبت به شرکت



۲۳۹ که تعریف سود قابل تقسیم را ارائه کرده است مستلزم آگاهی از زیانهای سالهای مالی قبل است که خود چنین زیانهایی نیز باید در سالهای قبل به تصویب مجمع عمومی رسیده باشد. بنابراین باید گفت اصولاً سهامداران یکی از مواردی را که همه ساله در مجمع عمومی عادی مورد رسیدگی و تصویب قرار می دهند این است که سرمایه موجود شرکت عملاً چه مقدار کاهش یا افزایش یافته است و برای قضاوت در این امر شاید بتوان گفت راهی جز مراجعه به ترازنامه‌ای که وضعیت مالی شرکت را طبق اصول متداول حسابداری به نحو مطلوب منعکس می کند وجود ندارد.

چنین ترازنامه‌ای در صورتی درخوراستاد است که طبق مقررات توسط هیئت مدیره تنظیم شده و پس از اظهار نظر بازرس قانونی (مطابق ماده ۱۴۸) برابر ماده ۸۹ و تبصره آن به تصویب مجمع عمومی عادی رسیده باشد. غرض از اشاره به لزوم تصویب صورت‌های مالی به ترتیب فوق این است که گاه مشاهده شده است که بین هیئت مدیره و بازرس قانونی در خصوص از بین رفتن یا از بین نرفتن بیش از نیمی از سرمایه اختلاف نظر وجود داشته است که البته به دلایلی از قبیل تفاوت برداشتها از مفهوم زیان وارد، لزوم یا عدم لزوم تهاثر زیان با اندوخته‌ها، تهیه صورت‌های مالی بر مبنای فرض تداوم فعالیت یا توقف عملیات و عدول از ارزش دفتری داراییها، لزوم یا عدم لزوم عدول از فرض دوره مالی در مواردی که شرکت متوجه زیانهای درخور توجه و ناگهانی

۶- ماده ۲۳۹- سود قابل تقسیم عبارت است از سود خالص سال مالی شرکت منهای زیانهای سالهای مالی قبل و اندوخته قانونی مذکور در ماده ۲۳۸ و سایر اندوخته‌های اختیاری بعلاوه سود قابل تقسیم سالهای قبل که تقسیم نشده است.

۷- ماده ۱۴۸- بازرس یا بازرسان علاوه بر وظایفی که در سایر مواد این قانون برای آنان مقرر شده است مکلفند درباره صحت و درستی صورت‌های مالی و صورت حساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه‌ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه می کنند و همچنین درباره صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجامع عمومی گذاشته اند اظهار نظر کنند. بازرسان باید اطمینان حاصل نمایند که حقوق صاحبان سهام در حدودی که قانون و اساسنامه شرکت تعیین کرده است به طور یکسان رعایت شده باشد و در صورتی که مدیران اطلاعاتی برخلاف حقیقت در اختیار صاحبان سهام قرار دهند بازرسان مکلفند که مجمع عمومی را از آن آگاه سازند

می شود، برخی کاستیهای مقررات و... وجود اختلاف نظر چندان نامتحمّل و غیرمنتظره نیست. بر این اساس باید دید در شرایطی که هیئت مدیره معتقد و متقاعد به شمول ماده ۱۴۱ بر شرکت نباشد اما بازرس قانونی شرکت را مشمول ماده مذکور بداند، آیا هیئت مدیره مکلف به دعوت مجمع عمومی فوق العاده خواهد بود؟ به نظر نگارنده، چنین شرایطی، رسیدگی و تصویب حسابها به وسیله مجمع عمومی یا ملاحظه و شنیدن گزارش مدیران و بازرسان را ایجاب می کند که از صلاحیت‌های مجمع عمومی عادی است. بدیهی است با تصویب حسابها و ترازنامه، زیانهای وارد به شرکت معین و قطعی می شود و چنانچه بر اساس صورت‌های مالی مصوب لااقل نیمی از سرمایه از بین رفته باشد شمول ماده ۱۴۱ بر شرکت محرز و هیئت مدیره مکلف خواهد شد که مجمع عمومی فوق العاده را به منظور شور و رأی در مورد انحلال یا کاهش اجباری سرمایه که تنها دستور کار پیشینی شده در موارد ۱۴۱ و ۲۶۵ است دعوت کند.

اشاره به صورت‌های مالی مصوب در بالا ممکن است این مسئله را پیش آورد که صورت‌های مالی بیانگر ارزش دفتری داراییها بر اساس بهای تمام شده بوده و ممکن است تحت شرایطی تعیین سرمایه موجود بر اساس آنها قابل ایراد باشد. در پاسخ باید گفت که اگر چه غالباً ترازنامه چنین ارزشی را منعکس می کند ولی این در شرایطی است که انتظار

۸- ماده ۲۶۵- رئیس و اعضای هیئت مدیره هر شرکت سهامی که در صورت از میان رفتن بیش از نصف سرمایه شرکت بر اثر زیانهای وارده حداکثر تا دو ماه مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را دعوت نمایند تا موضوع انحلال یا بقای شرکت مورد شور و رأی واقع شود و حداکثر تا یکماه نسبت به ثبت و آنگهی تصمیم مجمع مذکور اقدام نمایند به حبس از دو ماه تا ششماه یا به جزای نقدی از ده هزار تا یکصد هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.

می رود فعالیت شرکت در آینده پیشبینی پذیر تداوم داشته باشد و صورت‌های مالی بر اساس مفهوم بنیادی تداوم فعالیت تهیه شده باشد.

سؤال دیگری که در اینجا طرح می شود این است که آیا هر شرکت مشمول ماده ۱۴۱ مشکل تداوم فعالیت خواهد داشت و باید در ثبت ارزش داراییهای آن از اصل بهای تمام شده تاریخی عدول کرد؟

بدیهی است که این سؤال پاسخ مثبت یا منفی قطعی ندارد و بسته به نوع فعالیت، میزان سرمایه و دیگر اوضاع و احوال حاکم بر شرکت، پاسخ متفاوتی خواهد داشت که مستلزم دقت و قضاوت آگاهانه مدیران و حسابداران است.

اساساً ماده ۱۴۱ بر این مبنا تدوین نشده که هر شرکت مشمول آن، در شرایط توقف عملیات قرار گیرد، زیرا مطابق همین ماده یکی از دوره‌ها رفع شمول، کاهش سرمایه به میزان سرمایه موجود است و تا هنگامی که سرمایه کاهش یافته در اجرای این ماده در شرکت‌های سهامی عام از ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال کمتر نشود، شرکت مشکلی از نظر قانون تجارت نخواهد داشت. لذا در شرکت‌های مشمول ماده ۱۴۱ نیز همانند دیگر شرکتها (اقاً با دقت بیشتر) باید تداوم فعالیت مورد توجه تهیه کنندگان صورت‌های مالی و بازرسان قرار گیرد تا چنانچه تجمع زیان به تدریجی شرکت را در معرض انحلال یا کاهش درخور توجه عملیات قرار داده باشد که عدول از فرض بنیادی تداوم فعالیت را ایجاب کند، مبنای تهیه صورت‌های مالی نیز تغییر یابد و مبنای مناسبی انتخاب شود و افشای لازم صورت پذیرد.

پس می توان گفت در تعیین مبلغ سرمایه موجود شرکت، توجه به شرایط و اوضاع حاکم بر شرکت و پیشبینی ادامه فعالیت یا توقف عملیات ضروری است و چنانچه تداوم فعالیت شرکت پیش بینی شود در تبعیت از اصول بنیادی حسابداری و برهیز از مشکلات مالیاتی باید از تجدید ارزیابی خودداری شود.

در اینجا ممکن است این موضوع مطرح شود که در چنین شرایطی می توان به منظور تعیین میزان سرمایه موجود، داراییها را خارج از دفاتر ارزیابی کرد و از بابت افزایش ارزش روز داراییهای ثبتی در دفاتر انجام نداد. این اقدام نیز در جایی که مجمع عمومی فوق العاده به انحلال رای ندهد و تصمیم به کاهش سرمایه تا حد سرمایه موجود بگیرد مشکل آفرین است چرا که کاهش سرمایه به میزان



شرکت سهامی آبان
مستخرج از ترازنامه مورخ ۱۳۷۰/۱۲/۲۹

(ریال)	
۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰	سرمایه
۲۰,۰۰۰,۰۰۰	اندوخته قانونی
۶۰,۰۰۰,۰۰۰	اندوخته اختیاری
(۷۰,۰۰۰,۰۰۰)	زیان انباشته
۱۱۰,۰۰۰,۰۰۰	حقوق صاحبان سهام

با در نظر گرفتن اطلاعات بالا، گروه اول به این استناد که زیان انباشته معادل ۷۰ درصد سرمایه است خواهند گفت که شرکت مشمول ماده ۱۴۱ است و در صورتی که مجمع عمومی فوق العاده تصمیم به انحلال شرکت نگیرد باید سرمایه آن را به مبلغ موجود آن یعنی ۳۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال کاهش دهد. بر اساس نظر گروه دوم به دلیل افزونی جمع اندوخته‌ها بر زیان به مبلغ ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال نه تنها شرکت سرمایه خود را از دست نداده است بلکه می‌توان گفت علاوه بر سرمایه خود هنوز دارای اندوخته‌ای به مبلغ ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال است. مطابق نظر گروه سوم، زیان اندوخته قانونی را از بین نمی‌برد و بدین ترتیب مبلغ ۶۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال از زیان باعث از بین رفتن اندوخته اختیاری و زیان باقیمانده آن موجب از بین رفتن ۱۰ درصد سرمایه شده است که در چنین حالتی نیز شرکت مشمول ماده ۱۴۱ نیست.

با توجه به مطالب زیر:

۱- اگر چه در ماده ۱۴۱ تنها به زیان و سرمایه اشاره شده است ولی عبارت به کار برده شده این نیست که «اگر زیان وارد معادل یا بیش از نصف سرمایه شود»، بلکه مطابق متن ماده، لازم است که

سرمایه موجودی که بر اساس ارزش روز داراییها تعیین شده مستلزم انجام ثبت تفاوت ارزش روز داراییها با ارزش دفتری آنهاست که می‌تواند موجب بروز مشکلات پیشگفته شود. با این حال در صورتی که انحلال یا توقف عملیات شرکت پیشینی شود با رعایت مقررات ماده ۲۳۳ که مقرر می‌دارد: «... باید اسناد مذکور به هر دو شکل و هر دو روش ارزیابی تنظیم گردد تا مجمع عمومی با ملاحظه آنها و با توجه به گزارش هیئت مدیره و بازرسان نسبت به تغییرات پیشنهادی تصمیم بگیرد»، می‌توان ترازنامه شرکت را به دو صورت، یکی بر مبنای تداوم فعالیت و در چارچوب نظام تاریخی و بهای تمام شده و دیگری بر مبنای توقف عملیات و در چارچوب برآورد ارزشهای جاری تهیه کرد تا پس از بررسی و اظهار نظر بازرسان نسبت به آن، در مجمع عمومی مورد بررسی و تصمیم‌گیری قرار گیرد.

موضوع دیگر درخور بحث این است که زیانهای وارد به شرکت ابتدا کدامیک از حسابهای حقوق صاحبان سهام، شامل سرمایه، اندوخته قانونی و اندوخته اختیاری را از میان می‌برد. گروهی معتقدند از آنجا که در ماده ۱۴۱ تنها از زیان و سرمایه نام برده شده است همینکه مانده زیان شرکتی از ۵۰ درصد سرمایه آن تجاوز کرد (با یک ریال اختلاف بین حد تعیین شده در ماده ۱۴۱ با حد تعیین شده در ماده ۲۶۵) شرکت مشمول مقررات ماده ۱۴۱ خواهد شد. در مقابل گروهی دیگر معتقدند چنانچه ارزش ویژه شرکت کمتر از ۵۰ درصد سرمایه باشد می‌توان گفت حداقل نصف سرمایه شرکت از میان رفته است یا به عبارت دیگر زیان قبل از اینکه موجب از بین رفتن سرمایه شود سبب از بین رفتن اندوخته‌ها می‌شود و بر این اساس ما حاصل تهاثر زیان با اندوخته‌ها باید با سرمایه مقایسه شود. گروه سومی نیز با یک اختلاف نظر مبنی بر اینکه در تهاثر زیان با اندوخته‌ها، اندوخته قانونی را نباید به حساب آورد، طرفدار نظر اخیرند.

به منظور بحث و ارائه مطالب در ارتباط با نظرات بالا، فرض کنیم حقوق صاحبان سهام شرکت سهامی آبان در تاریخ ۱۳۷۰/۱۲/۲۹ به شرح زیر باشد:

بر اثر زیانهای وارد حداقل نصف سرمایه از بین رفته باشد و در نبود هرگونه الزام قانونی چگونه می‌توان گفت که زیان قبل از اینکه موجب از بین رفتن اندوخته شود موجب از بین رفته سرمایه می‌شود.

۲- اگر بپذیریم که زیان بیانگر حقوق منفی و مانده بدهکار صاحبان سهام است، به موجب ماده ۲۹۶ قانون مدنی که مقرر می‌دارد «تهاثر فقط در مورد دودینی حاصل می‌شود که موضوع آنها از یک جنس باشد، با اتحاد زمان و مکان تأدیه ولو به اختلاف سبب، «باید مانده بدهکار زیان با همجنس و همزمان‌ترین حساب بستانکار حقوق صاحبان سهام تهاثر شود». با توجه به مواد ۹۰ و ۲۴۰ که به موجب هر دو، تقسیم سود و اندوخته با تصویب مجمع عمومی عادی جایز است و مفاد ماده ۲۳۹ که بر اساس آن سود قابل تقسیم از تهاثر زیان با سود حاصل می‌شود همچنین مفاد ماده ۱۲۳۸ که مطابق آن مبنای محاسبه اندوخته قانونی حاصل تهاثر شده سود سال با زیانهای وارد در سالهای قبل است، از یک سو و مقررات و محدودیتهایی که در مورد کاهش سرمایه و توزیع آن بین سهامداران وجود دارد از سوی دیگر، می‌توان گفت زیان از نظر همجنسی و همزمانی به ترتیب اولویت، مفهوم مخالف سود، اندوخته اختیاری، اندوخته قانونی و سرمایه را خواهد داشت و بر این اساس زیانهای وارد ابتدا سود تقسیم نشده سالهای قبل، سپس اندوخته‌های اختیاری را از بین می‌برد و در صورت فزونی بر دو مورد مذکور، به ترتیب موجب از بین رفتن قهری اندوخته قانونی و سرمایه می‌شود.

۳- در مثال شرکت سهامی آبان به شرح فوق، اگر به صرف مقایسه زیان انباشته با سرمایه، شرکت را مشمول ماده ۱۴۱ بدانیم، باید دید در صورتی که قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده، با تصویب مجمع عمومی عادی، مانده اندوخته اختیاری را به حساب زیان انباشته منتقل کنیم چه اتفاقی خواهد افتاد. آیا می‌توان گفت قبل از ثبت حسابداری این انتقال، شرکت مشمول ماده ۱۴۱ است و بعد از آن از شمول این ماده خارج می‌شود؟

۴- اگر بر اساس نظر گروه اول مابه‌التفاوت سرمایه و زیان انباشته را ملاک تعیین سرمایه موجود

بقیه در صفحه ۱۰۸

۹- ماده ۲۳۸- از سود خالص شرکت پس از وضع زیانهای وارده در سالهای قبل باید معادل یک بیستم آن بر طبق ماده ۱۴۰ به عنوان اندوخته قانونی موضوع شود. هر تصمیم برخلاف این ماده باطل است.